

■ ظهور نقش‌مایه ماهی آئین مهر
در مهرهای دوره قاجار و فلوس‌های دوره صفوی و قاجار

ژیلا پاشایی

■ چکیده

هدف پژوهش: در تعدادی از فلوس‌های دوره صفوی و قاجار، نقش‌مایه ماهی در دوکنار گلی چندپر ضرب شده است. ترکیبی از این نقش‌مایه در مهرهای دوره قاجار نیز مشهود است. این مقاله، در ادامه و به منظور تکمیل پژوهش پیشین، با هدف پیدایش نماد نقش‌مایه ماهی آئین مهر در مهرها و فلوس‌ها به مطالعه و تحلیل می‌پردازد.

فرضیه پژوهش: علل پیدایش نقش‌مایه ماهی در فلوس‌ها و مهرهای دوره قاجار موضوع این پژوهش است. مقاله قصد دارد با فرضیه اصلی «پیدایش این نقوش با تأثیرپذیری از آئین مهر» و فرضیه فرعی «ارتباط نقش‌مایه ماهی در فلوس‌ها با اقلیم مردمانش و در مهرها با شغل صاحبانش» به مطالعه و سیر تحول این نقش بپردازد.

رویکرد پژوهش: پژوهش حاضر با ماهیت و روش تاریخی، توصیفی-تحلیلی و تطبیقی، بر پایه منابع کتابخانه‌ای و میدانی به مطالعه و تحلیل نقش‌مایه ماهی و تطبیق آن می‌پردازد.

یافته‌ها و نتایج پژوهش: نمادهای مهری همبستگی ویژه‌ای با آب دارند که برجسته‌ترین آنها مروارید، دلفین، و نیلوفر است. گل چندپر و دو ماهی، اشاره به روایتی دارد که در آن تخمه زرتشت در آب، مانند مروارید در گل نیلوفرآبی است که دو ماهی از آن محافظت می‌کنند؛ و همچنین، داستان کر ماهی که نگهبان گیاه هوم است. طرح «ماهی درهم» یا «هراتی» در فرش عبارت است از دو ماهی و چهره مهر در میان آن. در دوره اسلامی، چهره مهر به گل و دو ماهی به دو برگ تبدیل شد. مقاله حاضر، با هدف پیدایش نماد نقش‌مایه ماهی آئین مهر در مهرها و فلوس‌ها، به مطالعه و تحلیل پرداخته است. نتایج نشان داد نقش‌مایه ماهی در مهرها و فلوس‌ها به سه شکل است: دوماهی در دوکنار گل، ماهی در دو کنار نقش صورت انسان، و نقش ماهی به صورت تنها. در تعدادی از مهرها در دو کنار صورت انسان دو برگ حک شده است که به سنت تبدیل ماهی به برگ در دوره اسلامی مربوط است. براساس یافته‌ها، فرضیه اصلی پژوهش (پیدایش نماد نقش‌مایه ماهی آئین مهر در مهرها و فلوس‌ها) تأیید می‌گردد. باتوجه به جمع‌آوری مهرها از اسناد نظامیان و معلوم بودن شغل آنها و همچنین با معلوم بودن محل ضرب اغلب فلوس‌ها، می‌توان نقش ماهی را به شغل صاحبان مهر، و نقش ماهی در فلوس‌ها را به اقلیم مردم آن منطقه نسبت داد؛ در نتیجه، فرضیه فرعی مبنی بر ارتباط نقش‌مایه ماهی در فلوس‌ها با اقلیم مردمانش و در مهرها با شغل صاحبانش مورد تأیید نیست.

کلیدواژه‌ها

آئین مهر/ ماهی/ مهر/ فلوس/ کرماهی/ هوم.

مطالعات آرشیوی

فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیستم و چهارم، دفتر دوم، (تابستان ۱۳۹۳)، ۱۳۷-۱۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۵ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲۱



ظهور نقش مایه ماهی آئین مهر در مهرهای دوره قاجار و فلوس‌های دوره صفوی و قاجار

ژیلا پاشایی^۱

مقدمه

مهر، نشان حکاکی شده بر قطعه‌ای سنگ، فلز یا عقیق است که می‌تواند علائم فردی یا جمعی را دربر داشته باشد. مهرهای دوره قاجار به‌ویژه مهرهای افراد عادی جامعه، به دلیل در دسترس بودن، کمتر توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده‌اند. به طوری که، تاکنون پژوهشگران تنها به گردآوری و بازخوانی سجع مهرشاهان و افراد صاحب‌منصب و روحانیون پرداخته‌اند؛ درحالی‌که، علاوه بر سجع، عنصر دیگری چون نقش، زینت‌بخش مهرها بوده است. این نقوش می‌تواند گویای نحوه زندگی و بازتابی از اعتقادات مذهبی مردم آن دوره باشد. علاوه بر مهرها، سکه‌ها نیز از نظر روند تولید (حکاکی) به مهرها شبیه‌اند، به طوری که می‌توان گفت سرسکه نوعی مهر، و سکه نقش‌مهری است که بر زر و سیم زده‌اند. آنچه مهرهای دوره قاجار را از سایر دوره‌ها متمایز می‌کند ظهور نقش‌مایه‌های انسانی و حیوانی در این دوره است، که صاحبان آن افراد عادی جامعه‌اند.

نقش‌مایه‌های مختلف حیوانی بر فلوس‌های دوره صفوی به بعد معمول شد. در این دوره، نقش بزکوهی، ماهی، و مار بر سکه‌ها ضرب می‌شد و نقش سکه‌ها در کاشان خروس، در اصفهان شیر نر، و در گیلان ماهی بوده است (پاشایی و جباری، ۱۳۹۱، صص ۷۹-۸۲). فلوس‌ها یا سکه‌های مسی، که از سوی حاکمان محلی ضرب می‌گشتند، کم‌ارزشتر از سکه‌های زرین و سیمینی بودند که از سوی دولت وقت ضرب می‌شد. قابل ذکر است که فلوس‌ها به لحاظ مادی از ارزش کمی برخوردارند، ولی منابع غنی و باارزشی هستند که افکار

۱. کارشناس ارشد گرافیک

jila_pashaei@yahoo.com

۲. فلوس جمع فلوس نام سکه مسین عرب

مأخوذ است از کلمه یونانی پیزانس (روم

سقلی) فویلیس (Phollis) و خود این کلمه از

فویلیس لاتین (Follis) است (شهبازی فراهانی،

۱۳۸۰، ص ۹۹).



و اعتقادات جامعه‌های محلی را به خوبی بازگو می‌کنند.

علل پیدایش نقشمایه ماهی در مهرهای دوره قاجار و فلوس‌های دوره صفوی و قاجار موضوع این پژوهش است که در ادامه و با هدف تکمیل پژوهش دیگری^۱ به مطالعه مهرها و فلوس‌ها پرداخته است. مقاله حاضر قصد دارد با فرضیه اصلی (ظهور نماد نقشمایه ماهی بر مهرها و فلوس‌های مذکور با تأثیرپذیری از آئین مهر) و فرضیه فرعی (ارتباط نقشمایه ماهی در فلوس‌ها با اقلیم مردمانش و همچنین ارتباط آن با شغل صاحبان مهرها) به مطالعه و تحلیل بپردازد. با توجه به اینکه نقشمایه ماهی در دو کنار گل چندپیر و نقش صورت انسان در مهرها و فلوس‌ها حک و ضرب شده است، این مقاله با هدف ارتباط نقشمایه ماهی با آئین مهر به مطالعه و تحلیل نقوش مهرها و فلوس‌ها می‌پردازد. هدف دیگر مقاله، شناخت آئین مهر در تمدن‌های کهن و سیر تحول اعتقادات دینی و فرهنگی ایرانیان در ادوار مختلف است، که حضور پررنگ نقشمایه‌های مهری را در دوره‌های مختلف اسلامی تا عصر حاضر سبب گشته است. در مقاله حاضر مهرها و فلوس‌ها از بُعد نقشمایه ماهی مورد مطالعه، تحلیل و توصیف قرار گرفته‌اند.

نقوش مهرها و سکه‌ها منابع باارزشی‌اند که شناخت این نقشمایه‌ها و آئین تمدن‌های کهن ایران، و ارتباط این نقشمایه‌ها با آئین کهن، ضرورتی فرهنگی است که آگاهی از پیشینه تاریخی و هویت فرهنگی را سبب می‌شود.

این پژوهش از نوع کاربردی است، و برای تسهیل و شکل‌گیری بسترهای کاربردی مناسب به مطالعه آئین مهر در تمدن کهن ایران و همچنین مطالعه نقشمایه ماهی در این آئین، و مهرها، و فلوس‌ها پرداخته است. روش از نوع تاریخی، توصیفی-تحلیلی، و تطبیقی است؛ یعنی با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و اسناد و مدارک معتبر موجود در پژوهش‌های انجام شده در زمینه آئین مهر، به شناخت نقشمایه‌های مهری پرداخته و با تطبیق آنها با نقشمایه‌های مهرها و فلوس‌ها به تحلیل و توصیف و ارتباط آنها می‌پردازد. روش گردآوری اطلاعات پژوهش حاضر، میدانی و کتابخانه‌ای است. نگارنده، با جمع‌آوری ۲۰۰۰ مهر^۲ و تصویر فلوس‌ها از منابع متنوع به مطالعه آنها پرداخته است. قابل ذکر است اغلب مهرهای مورد مطالعه در مقاله حاضر، از اسناد نظامیان جمع‌آوری شده است. در این مقاله، سعی شده به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱. چه عواملی سبب پیدایش نقشمایه ماهی در مهرهای دوره قاجار و فلوس‌های دوره صفوی و قاجار شده است؟
۲. آیا نقشمایه ماهی در مهرها، با شغل صاحبان آنها؛ و در فلوس‌ها با اقلیم مردمان آن شهر ارتباط دارد؟
۳. آیا نقشمایه ماهی در مهرها و فلوس‌ها با آئین مهر ارتباط دارد؟

۱. پاشایی، ژیلا؛ جباری، صداقت (۱۳۹۱). ظهور نقوش انسانی در مهرهای دوره قاجار (با تأثیرپذیری مهرها از سکه‌ها و مدال‌های آن دوره)، *گنجینه اسناد*، ۲۲(۴): ۷۸-۱۰۷.

۲. گردآوری داده‌های این پژوهش، از مهرهای اسناد دوره قاجار از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، موزه ملک، موزه ملی، موزه آذربایجان تبریز، دو کتاب موجود، روزنامه و مجموعه اسناد شخصی اسکن و عکاسی شده است و همچنین از برخی مهرهای موزه کاخ گلستان، موزه ارومیه، عتیقه‌فروشان و دستفروشان تهران، تبریز و ارومیه اثر مهر گرفته شده است. فلوس‌ها، از موزه بانک سپه، موزه ملی، مجموعه‌های شخصی، و کتاب‌های موجود تهیه گردیده است. قابل ذکر است فلوس‌های موزه ملک و موزه هماشگاه پول نیز بررسی شد، اما فلوسی با نقشمایه ماهی در آنها یافت نشد.



ماهی در باور تمدن‌های کهن ایرانی و اقوام همسایه

ماهی به آب زنده است پس نمودی است از آب، آبادانی، تازگی و طراوت. ماهی، همچنین نماد ناهید و مظهر فراوانی است (عبدالهیان، ۱۳۷۸، ص ۵۶). پیشکش ماهی در تمدن بین‌النهرین صورت می‌گرفته و رودخانه‌های آب شیرین دجله و فرات، که گویی از ایزو^۱ سرچشمه گرفته‌اند، مملو از ماهی، به‌خصوص ماهی کپور بودند. ارتباط ماهی با خدای آب، یعنی انکی^۲، رابطه‌ای طبیعی به‌شمار می‌رفت. از آنجا که انکی خدای خردمندی بود، ماهی نیز نماد عقل و خرد محسوب می‌شد (بلک و گرین، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱). در هنر بابلی‌ها، یک مخلوق افسانه‌ای مرکب از انسان و ماهی آمده است به‌نام اوانه^۳ که از آب دریا بالا می‌آمد به این خاطر که خط و علم به بشر بیاموزد (همایون، ۲۵۳۵، صص ۴۸ و ۴۹). آ^۴، خدای سومری آب تازه، دارای شکل ماهی یا بُزِی با دم ماهی (اصل و منشأ برج جدی) است. کاهنان آ^۴ در دوره نو (آشوری)، جامه‌ای به‌صورت ماهی برتن داشتند (هال، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰).

ماهی، در اصطلاح عام، موجودی است فراروانی، یا دارای حرکاتی بسیار نافذ که نیروی برخاستن؛ نیروی مربوط به اجسام پست و ناخودآگاه نیز به او بخشیده شده است. به‌سبب ارتباط نمادین بسیار نزدیک میان دریا و بزرگ‌مادر، ماهی را گاه مقدس انگاشته‌اند. در برخی آئین‌های آسیایی، ماهی مورد پرستش واقع می‌شد و کاهنان اجازه خوردن ماهی را نداشتند (سرلو، ۱۳۸۹، ص ۳۹۲).

ماهی‌ها نماد پارسایان و مریدانی هستند که در آب‌های حیات شنا می‌کنند. ایزدان ماهی و ایزدان دریا، که بر ماهی‌ها یا دلفین‌ها سوارند نماد آزادی حرکت در آب‌ها؛ کل ممکنات هستند. ماهی‌ای که به سمت پائین شنا می‌کند تصویرگر حرکت پیچان روح در ماده است. ماهی‌ای که به سمت بالا حرکت می‌کند، یعنی آزاد شدن روح و ماده درهم پیچیده به‌هنگام بازگشت دوباره به اصل آغازین. دو ماهی معرف نیروهای مادی و معنوی‌اند (کوپر، ۱۳۸۶، ص ۳۴۲).

در دوازدهمین خانه منطقه البروج جنبه دوگانگی این نماد به خوبی از ظاهر صورت فلکی - متشکل از دو ماهی موازی، اما پشت به هم در دو سوی مختلف - پیداست. ماهی سوی چپ، حکایت از بازگشت، یا آغاز چرخش جدید جهان پدیده‌هاست؛ حال آنکه ماهی دیگر که رو به سوی راست دارد، نشان‌دهنده صعود، یعنی راهی بیرون از این چرخه است (سرلو، ۱۳۸۹، صص ۳۴۹-۳۵۲).

طبقه‌بندی نمادین حیوانات، بیشتر به عناصر چهارگانه وابسته است. حیواناتی مانند مرغابی، خرچنگ، و ماهی علی‌رغم برخی تفاوت‌ها، با مفهوم آب و در نتیجه با مفهوم دریاهاى نخستین ارتباط می‌یابند. بنابراین، مبدأ پدیده‌ها و نیروهای تولد دوباره به‌شمار

1. Abzu
2. Enki
3. Oanne
4. Ea



می‌آیند. درست‌ترین و اصولی‌ترین طبقه‌بندی عبارت است از انتساب حیوانات آبی و دوزیست به آب، خزندگان به خاک، پرندگان به باد، و پستانداران (به سبب خونگرم بودن) به آتش (سرلو، ۱۳۸۹، صص ۳۴۹-۳۵۲).

در چین، ماهی یو^۱، نماد باستانی ثروت و فراوانی است. چنانکه وجود ماهی قرمز در تینگ آب و احتمالاً سنت سبزی‌پلو با ماهی بر سر سفره نوروز هم با دیگر نمادهای آن، به همین معنای فراوانی و وفور نسل می‌تواند باشد یا دست‌کم مظهر زاینده‌گی و استمرار نسل. در متون عرفانی فارسی، ماهی رمز سالک و دریا رمزی از هستی است (یاحقی، ۱۳۸۶، صص ۷۴۹ و ۷۵۰). به موجب بعضی روایات، زمین بر پشت ماهی است و بعضی گفته‌اند که زمین بر دوش فرشته است که پاهای او بر روی سنگی کلان قرار دارد و آن سنگ بر پشت ماهی عظیمی نهاده‌اند، راویان این خبر تا آن اندازه در وجود این ماهی یقین داشته‌اند که حتی در نامش هم اختلاف داشته‌اند، بعضی ابوالیقطان و بعضی لوشا یا لیوئا و یا بلهوت گفته‌اند (فروزانفر، ۱۳۹۰، صص ۲۴۹ و ۲۵۰).

حوت یونسی

ماهی یا «حوت یونسی» در تفاسیر قصه یونس و جهی رمزی یافته است. این معنای رمزی ماهی یعنی نقش نمادین ماهی در سرگذشت و سرنوشت یونس، چنان اهمیتی دارد که او را ذوالنون و صاحب‌الحوت لقب داده‌اند که به معنی خداوند ماهی و همدم ماهی است. تفسیر رمزی دیگر حوت در تفسیر آیه «ن والقلم و ما یسطرون» (به دوات و قلم سوگند یاد کنم و آنچه می‌نویسند) این است که گروهی می‌گویند که این نون آن ماهی است که یونس متی اندر شکم او بود، نام آن ماهی از گرانی بار زمین خم داد و خم گردید، بر مثال نون شد، شکم به آب فرو برده و سر از مشرق برآورده و دم از مغرب و خواست که از گرانباری بنالد، جبرئیل بانگ بر وی زد، چنان بترسید که گرانباری زمین فراموش کرد و تا به قیامت نیارد که بجنید. ماهی چون بار برداشت و ننالید، رب‌العالمین او را دو تشریف داد: یکی آنکه به دو قسم یاد کرد، محل قسم خداوند جهان گشت. دیگر تشریف آن است که کارد از حلق او برداشت. همه جانوران را به کارد زیح کنند و او را نکنند تا عالمیان بدانند که هر که بارکشد رنج وی ضایع نشود. معنای ماهی در وهله نخست، مفید معنای زاینده‌گی و فراخی نعمت و خیر و برکت است، مثل طلسم‌هایی به شکل ماهی، که به زعم معتقدان، خاصیت باران‌زایی دارند و شکی نیست که این بارندگی بهنگام، موجب سبزی و خرمی و آبادانی است و به همین جهت خوابگزاران می‌گویند که دیدن ماهی در خواب خوشیمن است (ستاری، ۱۳۷۷، ۶۷-۶۹). علاوه بر این، در طلسم، ماهی از موضوع‌های دلخواه ایرانیان است و نماد روانی و پاکی است.

1. Yu



وجود یک ماهی با نوشته های طلسمی از قرون گذشته نشان می دهد این شکل از دیرباز کاربرد طلسمی داشته است (تناولی، ۱۳۸۵، صص ۹۰ و ۹۱).

اسطوره کرم ماهی، کرم-مسیه^۱

کرم نام نوعی از جانوران آبی- زندگی کننده در آب- است. علاوه بر این مورد، در چند مورد دیگر در اوستا، نام این جانور دریایی آمده است. در یشت ۱۶ بند ۷ «دین یشت» زرتشت، «چیستا»^۲ را ستایش می کند و چیستا: «به او راست ترین علم مزدا آفریده مقدس، قوت در پاها و شنوایی در گوش ها و نیرو در بازوان و تندرستی در سراسر تن و دوام در تن بخشید و آنچه آن نیروی بینایی که ماهی کرم در آب داراست که موجی را به درشتی مویی در رودخانه پهن رنگه به عمق هزار قدمی تواند دید» (رضی، ۱۳۸۴، ص ۴۲۷). به موجب این یشت و یشت چهاردهم «بهرام یشت، بند ۲۹»، ویژگی ماهی کرم، عمق، تیزبینی وی در دریا و ژرفای آب است و به موجب و نندیداد، جانوری است، که در عمق دریاها زندگی می کند. در «بند هشت» درباره آفرینش جانوران، از آبزیان گوید که: «نخست کرم ماهی و آرز، به آب آروند، فرود به سوه (کشور سوه) شدند و کرم ماهی را هر بار دویست هزار بیچه آید. جایی چنین به نظر که کرم ماهی- آرز آبی باشد: گوید به دین که «هوم سپید» که گوگرد درخت خوانند در دریای فراخکرت، بدان دریای ژرف، رسته است، برای فرسکرد^۳ سازی دریا؛ زیرا انوشگی (بی مرگی، جاودانگی) را از او آریند. اهریمن به دشمنی با او، در آن ژرف آب وزغی آفریده است که آن هوم را از میان برد. بازداشتن آن وزغ را، هر مزد دو یا ده ماهی کرم^۴ آنجا بیافریده است که پیرامون هوم همواره می گردند یکی از آن ماهیان را همیشه سر به سوی آن وزغ است هم ایشان، ماهیان، مینو خورش اند که ایشان را خورش نباید، تا فرسکرد به نبرد ایستند. در و نندیداد، که گوگرد یا هوم سپید یاد شده است، از کرم ماهی نیز شرحی است».

گئوکرته^۵ و آن نام درختی مقدسی است. در دریای فراخکرت که کرم ماهی که موجودی است اساطیری، از آن نگهداری می کند. «این درخت را هوم سپید دانسته اند که در رستاخیز از آن برای جاودانگی استفاده می کنند» (رضی، ۱۳۸۱، صص ۱۶۰۰ و ۱۶۰۱) که دشمن پیری، زنده گرمردگان و انوشه گر (جاویدکننده) زندگان است (راشد محصل، ۱۳۶۶، ص ۱۲). گئوکرته منشأ و یاری دهنده همه نباتات و گیاهان می باشد» (رضی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۳۵).

عقاید توهمیستی و نقشمایه ماهی در آثار تاریخی ایران

ماهگیری توسط بومیان خوزستان از دیرباز به دلیل وجود رودخانه های کارون و اروندرود رواج بسیار داشته است، به خصوص در میان اعراب خوزستان که غذای اصلی شان را

Kara_Masya.1

۲. Gistā. ایزد داتش و فرزانی در دین زرتشت (صدری افشار، نسرین حکمی و نسرین حکمی، ۱۳۸۱، ج ۲ ص ۱۶۷۵).

3. Araz

4. Fraskard. به معنی تصفیه و تجدید است

در آئین زرتشتی، بعد از مبارزه خدایان

با دیوان و شکست سپاه اهریمنی، جهان

پاکیزه می شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱ ص

۱۷۰۸).

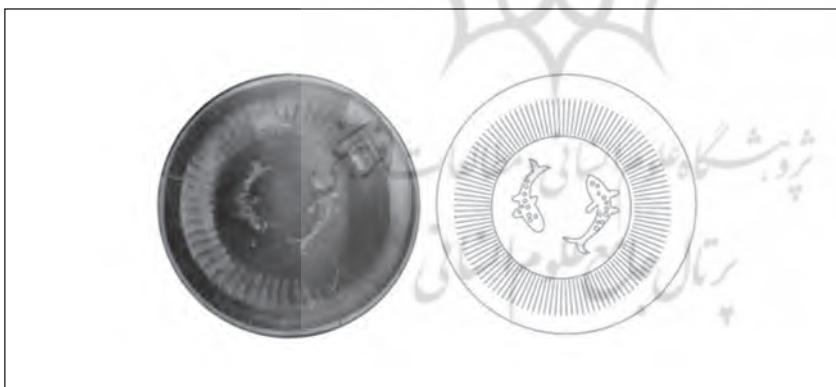
5. Kar

6. Gao.karena



گوشت ماهی تشکیل می‌دهد. احتمالاً همین وابستگی به این حیوان آبی باعث ایجاد حرمت و ارتباط آن با قدرت‌های مرموز و ماوراءالطبیعی حیات شده باشد. استخوان ماهی، فتیش^۱ از نوع حیوانی و طبیعی با جنسیتی خنثی است و آن را بالای گهواره کودک آویزان می‌کنند و اعتقاد دارند که در این اسکلت قدرتی است که حیات نوزاد را از خطر محفوظ می‌کند و محیط زندگی را پر از شور و حیات می‌کند (علی پورسعدانی، ۱۳۸۸، ص ۶۵). در مناطقی از ایران عقیده تومیستی رایج است. «در همدان، روستایی است از توابع «همه‌کسی» به نام «ده‌بوعلی»، در آنجا امامزاده‌ای هست که در آن حوض و استخر کوچکی وجود دارد، مردم آن روستا درباره ماهی‌های آن عقاید بسیار اساطیری دارند» (فضایی، ۲۵۳۶، ص ۲۶۶).

علاوه بر این، از آثار یافت شده می‌توان وابستگی تمدن‌های گذشته را به این نقش دریافت. در سفال‌های یافت شده از تل باکون (در فارس) یک عده از نقوش نماینده نباتات و حیوانات هستند (ماهی، مار، عقرب، مرغ‌های آبی، عقاب، آهو، گوزن با شاخ‌های خیلی بلند و پیچیده که به صورت مصنوعی نقش شده، ببر و پلنگ) (وندنبرگ، ۱۳۷۹، ص ۴۱). ساغرهای سفالی به شکل حیوان و انواع مجسمه‌های منقوش به شکل ماهی از لرستان (۷۰۰-۱۲۰۰ ق. م.) در زمره ظروف سفالین این ناحیه‌اند، که بعضی از آنها ساده و برخی دیگر با نقوش هندسی تزئین شده‌اند (وندنبرگ، ۱۳۷۹، ص ۶۶). در میان سفال‌های نیشابور، از قرن سوم هجری، کاسه لعابی با نوشته‌ای به خط کوفی موجود است که نقش دو ماهی در آن نقاشی شده است (تصویر شماره ۱) (فیروز، ۱۳۴۵، ص ۴۳). در یک لوح عیلامی دو پری-ماهی از جنس مؤنث- در میان یک متن مشبک که مظهر آب‌های آسمان و زمین است و این آب‌ها به شکل طناب‌هایی از سه جفت ظرف فوران می‌کند (آمی، ۱۳۸۹، ص ۵۸).



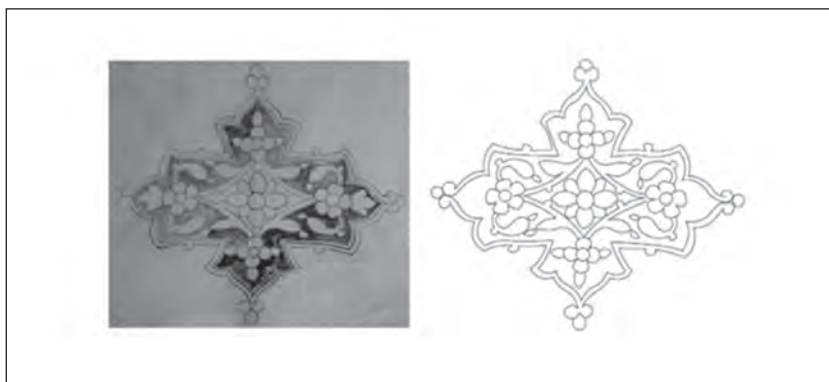
تصویر شماره ۱

کاسه سفالین قرن سوم قمری
(فیروز، ۱۳۴۵، ص ۴۳).

۱. شیء باوری

تصویر شماره ۲

نقاشی روی گچ باغ فین کاشان (نگارنده).



تصویر شماره ۳

کاشی کاری مسجد آقا بزرگ کاشان
(نگارنده)



نقشمایه اصلی طرح «ماهی درهم» و «ماهی هراتی» در فرش، طرح لوزی منقش به گل و پره‌های چرخ و فلکی است که در چهار طرف لوزی قرار دارند. اساس این طرح از دین مهر سرچشمه گرفته است (حصوری، ۱۳۸۵، ص ۴۳). مایگان هراتی از چهره مهر و دو ماهی شکل گرفته که در دوره اسلامی چهره مهر به گلی معمولاً هشت‌پر (حصوری، ۱۳۸۷، ص ۳۰) و نقشمایه ماهی به گل و برگ تبدیل شده، از این زمان بوده که بافندگان از آوردن نقش حیوانات در فرش امتناع کرده‌اند (دانشگر، ۱۳۹۰، ص ۳۶۴). بته جقه، هم نماد ماهی است و هم نماد سرو خمیده، پس بته محل تلاقی دو فرهنگ مختلف می‌شود. فرهنگ زرتشتی و آئین مهر (حصوری، ۱۳۷۹، ص ۳۸). چنانچه در نقوش کاشی‌ها، گچبری‌ها، و نقاشی‌ها قرون گذشته دقیق شویم نقش مایه ماهی و گل چندپر (نماد نیلوفر آبی) مشهود است (تصاویر ۲ و ۳).

آئین مهر

به علت گذشت زمان بسیار طولانی و همچنین عدم خط و کتابت و انتقال سینه به سینه اصول اعتقادی آن از پیدایش «مهر اولیه»، آثار مکتوبی بر جای نمانده است. آن مقدار اسناد مکتوب و مختصر فعلی هم، مربوط به اوستای متأخر است و اسناد غیر مکتوب آن مانند معابد مهری

اروپایی و تندیس‌هایی از دوران یونانی مآبی «هلنستیک» مربوط به دوره «مهرتاریخی» است که سراسر دوره اشکانی در ایران، و امپراتوری روم را در اروپا فراگرفته و تا حدودی با عقاید زرتشتی و بودایی و علوم ستاره‌شناسی کلدانیان و عقاید مهری مخلوط شده است (کاپله، ۱۳۸۱، ص ۳۰). مهر در فرهنگ ایران باستان مظهر نیکوکاری، راستی، درستی، عدالت و واسطه میان خدا و مردم است. در فرهنگ ایران باستان کار دنیا و آخرت در اختیار مهر است. گاهی خالق و زمانی مخلوق و در جایی واسطه میان مردم و خداست (بهرامی، ۱۳۷۸، صص ۹۵-۹۷). اسناد و نوشته‌های یافت شده در ایران و هند، ابهام فراوان دارند و گویای اهمیت و اقتدار دوهزار ساله مهر در این مناطق اند و او را همچون خدایی در جوار اهورامزدا نمایان می‌دارند. در عین حال، درباره جزئیات و خصوصیات شخصیت وی سخن نمی‌گویند (مقدس جعفری، ۱۳۸۵، ص ۲۳۶). کهن‌ترین سند مکتوبی که نام این خدای کهن بشری در آن ثبت شده و به دست ما رسیده است، الواح گلینی است متعلق به ۱۴۰۰ ق.م. که در یکی از این لوح‌ها از میترا [مهر] و وارونا، دو خدای بزرگ هند و ایرانی، استعانت شده است (رضی، ۱۳۴۵، ص ۲۴). در آئین آریایی چشم آسمان میترا [مهر] مظهر روشنایی و دوستی است که بر همه چیز آگاه است و با وارونا در سلطنت و اداره جهان شریک است (مهرآز، ۲۵۳۵، ص ۶).

مهر، از مادری به نام آناهیتا زاده شد (آناهیتا یعنی کسی که لکه ندارد. ناهید فارسی امروزی آن است) (یکتایی، ۲۵۳۵، ص ۲۲۸). ناهید یا آناهیتا (آهیت = ناپلید = بی گناه = معصومه). ایزد زن، ایزد آب‌هاست (حامی، ۲۵۳۵، ص ۱). میلاد مهر یا مسیحا، در سال ۲۷۱ ق.م. است (صدفی، ۱۳۶۹، ص ۲۴). مادر مهر، در سال ۱۴۵۴ رص ۶۵ سال بعد از مرگ اسکندر، و در سال ۵۱ اشکانی روز جمعه پنجم بهار، بشارت می‌یابد. پس از آنکه ۲۷۵ روز از بشارت گذشت، یکشنبه شب، ۲۵ دسامبر مهر زائیده می‌شود و به این مناسبت روز دوشنبه ۲۶ دسامبر همین سال، اول ژانویه و اول تاریخ جدیدی می‌گردد که شش روز با تاریخ تقویم‌های تورفانی اختلاف دارد. در تولد میترا [مهر] چوپانان حضور داشتند (ولی در هر صورت این شبانان از همجنسان آتیس^۲ نیستند) (ورمازن، ۱۳۸۷، صص ۸۸ و ۸۹).

نام ماهی که ماه نخست تاریخ میلاد مهر است، در فارسی دی‌ماه و در ماه‌های سیستانی کریشت است. مهر، در سن ۲۵ سالگی مبعوث می‌شود و چهل سال میان مردم به دعوت می‌پردازد و انجیل یا بشارت‌های خود را در نامه ارتنگ می‌نویسد. وفات یا نیران مهر، دوشنبه چهارم شهریورماه در روز عید شهریورگان سال ۱۵۱۸ مار رص در یازدهمین ساعت روز که نزدیک نیمه‌شب می‌باشد، اتفاق افتاده است (بهروز، ۱۳۸۷، صص ۱۳۳-۱۳۴). میترا (میترا) یا مهر، خدای مهمی است که هنوز هم در آئین زرتشت از احترام خاصی برخوردار است (هینلز، ۱۳۸۳، ص ۲۱۶).

1. Varuna

۲. *āttis* وازژ آتیس شاید از آتا، آتس یا آت که از میان اقوام فریگیا (Phrygia) و شمال سوریه یک کلمه الهی است باقی مانده باشد که در آخر اسامی پادشاهان لیدی (Lydia) به عنوان یک عنصر اصلی وارد شده است. آتیس، روح و جان محصولات بود و از جمله صفات وی می‌توان به بارور و پرحاصل بودن خوشه سبز گندم اشاره کرد (معصومی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳).



ایزد مهر یا یغ مهر یا میترا (میترا، به سانسکریت) یا میتر (میتر، به پهلوی) که مهر شده است (حامی، ۲۵۳۵، ص ۶)؛ میشا، میسا، مشیها، مسیهر و مهلاب و مسیحا نیز همین واژه است (یکتایی، ۱۳۴۹، ص ۹۲). آئین مهر یا کیش بغانی، از ایران زمین و آسیای کوچک به یونان و روم رفته (حامی، ۲۵۳۵، ص ۶) و در ابتدا مهر با لقب «یغ» نامیده و شناخته می‌شد. یغ، به معنای خداوند است جاهایی که به‌ویژه مرکز دین مهری بوده با همین واژه نام‌گذاری شده است، مانند بغستان (بهستان، بیستون) (مقدم، ۱۳۸۵، ص ۷۰).

اسم میتر، که از قرن چهارم پیش از میلاد در کتیبه پادشاهان هخامنشیان جای گرفته، فقط پنج‌بار تکرار شده است. نخست در کتیبه^۱ اردشیر، دوم کتیبه‌ای که در خرابه شوش باقی مانده است (پورداوود، ۲۵۳۶، صص ۳۹۵ و ۳۹۶).

آب، نماد ماه بر روی زمین است. دین زرتشت برای آب دو فرشته نگهبان قائل شده است. یکی به نام آپم‌نیات^۲ و دیگری آناهیتا^۳ با نام کامل اردویسور^۴ آناهیتا (عبدالهیان، ۱۳۷۸، ص ۵۱ و ۵۲). چون مهر زاده شد، مهر و آپم نیات وظایفی مشابه یافتند. از این پس، مهر فراخ چراگاه، فرمانروایان کشور را نیرو بخشد و آشوب‌ها را فرونشاند. آپم نیات توانا، فرمانروایان کشور را نیرو بخشید و سرکشان را لگام کرد (عزیزی و نوایی، ۱۳۸۷، صص ۸۳ و ۸۴). آپم نیات، که نامش معنی «فرزند آبها» دارد، ایزد آب است. او ایزدی است که فرهای را که جمشید از دست داد سرانجام گرفت و از بهر پاسداری‌اش به زیر دریا برد. به واسطه برابری در مقام و مسئولیت و همچنین به مناسبت باوری که اقوام هند و اروپایی داشتند که هنگام غروب، خورشید به دریا فرو می‌رود، این دو ایزد نسبت به فرّ دو عامل مکمل شدند: مهر به‌عنوان ایزد خورشید، بخشاینده فرّ بود در مدت روز، و آپم نیات به‌عنوان ایزد آب‌ها، پاسدار فرّ بود به‌هنگام شب (سودآور، ۱۳۸۴، ص ۷۵). ایزد فروغ دو مشعلدار داشته که «مهربان (مهر + بان) های» او بودند، یک مهربان در سوی راست مهر ایستاده و مشعل فروزانش را به‌سوی زمین گرفته، که نشان‌دهنده برآمدن آفتاب است، و مهربان دیگری در سوی فرورفتن آفتاب است و مهر در میان آندو نشان‌دهنده نیمروز است (حامی، ۲۵۳۵، ص ۱۰).

آئین مهر قرن‌ها پیش از هجرت آریایی‌ها به ایران و هند و پیش از زرتشت رواج داشته است. مهر، در زبان فارسی به معنی خدا، ایزد، فرشته میانجی، سوشیانس، آفتاب، روشنایی و پیمان است (شجاعدل، ۱۳۸۴، ص ۴۵). از آنجاکه زرتشت می‌خواست اهورامزدا را برتری دهد، دیگر ایزدان را پست نماید، و کثرت را مبدل به وحدت آفریننده نماید، مهر را همراه ایزدان دیگر از رتبه ارجمند چنان پایین آورد که گنجایش همسنگی برای او با اهورامزدا نمایند، زرتشت مهر را یکی از شش امشاسپندان^۵ نیز نشمرد و چنین به‌نظر میرسد که می‌خواست، ایرانی، از مهر و ماه و آسمان و ستارگان و مظاهر طبیعت صرف‌نظر

۱. اردشیر در این کتیبه گوید: «این ایوان را (ابدان) داریوش (اول) از نیاکان من بنا نمود بعد در زمان اردشیر (اول) پدربزرگ من طعمه آتش گردید من بخواست اهورامزدا و آناهیتا (ناهید) و میتر (مهر) دوباره این ایوان را ساختم. بشود که اهورامزدا آناهیتا و میتر مرا از همه دشمنان حفظ کنند و آنچه من ساخته‌ام خراب نسازند و آسیب نرسانند» (پورداوود، ۲۵۳۶، صص ۳۹۵ و ۳۹۶).

2. Apam napat

3. Anahita

۴. اردویسور: اَرَرّا دوی سوره: (مربک از ارد اوستایی، به معنی بالا برآمدن و منبسط شدن و افزودن و بالیدن و اردوی به قول بازتوبه به معنی رطوبت و نمناکی است + سوره، به معنی قوی و قادر) صفت است برای ایزد آناهیتا ناهید (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲ ص ۱۸۱۸).

۵. امشاسپند amšaspand مهربان از شش یا هفت فرشته مقرب یا ایزدان در آئین زرتشت (بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسفندارمذ، خرداد، ارداد و گاه سروش یا سپنت مینو)، که هر یک مظهری از اراده اهورامزدا یا مأمور اداره بخشی از کارهای جهانند (صدری افشار، نسرین حکمی و نسترن حکمی، ۱۳۸۸، ج ۱ ص ۳۲۸).



کرده، اهورامزدا را بپرستد، تا اینکه امپراتوری هخامنشی ایزدی را خواست که گذشته بر جنبه اخلاقی و پاکی، جنبه توانایی و قهرمانی نیز داشته باشد (پورمحمد و شوشتری (مهرین)، ۱۳۲۱، ص ۴۴۵). اهورامزدا به زرتشت می گوید که مهر آفریده من است و من او را در مقام و سزاوار بودن عبادت، همسنگ خود قرار داده‌ام (رضی، ۱۳۴۵، ص ۲۹).

پس از مرگ زرتشت، نطفه‌های او، که در دریای کیانسه^۱ نگهداری می‌شوند- تا مادران سه موعود آینده زرتشت را باردار کنند و اوشیدرماه^۲ و سوشیانت^۳ را به دنیا بیاورند- به فرّ تشبیه شده‌اند. این فرّه‌ها همچون چراغ در بن دریا میدرخشند (آموزگار، ۱۳۷۴، ص ۳۴) و در پهلوی «سوشیانس» یا «سوشانس» یا «سوسیوش» گویند. این کلمه از ریشه «سو» و به معنی بهره و منفعت است. کلمه «سود» فارسی نیز از همین ریشه است (پوردادوود، ۱۳۹۰، ص ۲۰). در اوستا، لقب سوشیانس «ورثرغنه^۴» (=بهرام) و «تخمه» (=تهم: بزرگ و دلیر)، در پهلوی «پیروچکر» (پیروزگر) آمده است (مقدم، ۱۳۸۵، ص ۷۵).

آئین میترا، که ریشه در فرهنگ دینی ایران باستان داشت، با آموزه‌های هلنیستی و رومی باستان در آمیخت. این دین یکتاخدایی در قلمرو امپراتوری رومی و سپس کشورهای اروپایی راه یافت (اشتروم، ۱۳۸۹، ص ۲۰). مهر، که نامی از او در گاتاها (گاهان) برده نشده است، در اوستای جوان در شمار دیوها نیست، بلکه جزء ایزدان است (بیانکی، ۱۳۸۵، ص ۴۷). مهر «نظم یا راستی» را حفظ می‌کند بر دیوان دروغ می‌تازد و آنان را شکست می‌دهد، کسی است که چون پیمان مربوط به ادوار گوناگون تاریخ جهان به پایان رسد به داوری می‌پردازد (عرب گلیایگانی، ۱۳۷۶، ص ۴۸). ایزد مهر، ایزدی است که سه وظیفه موبدی، جنگاوری، و برکت‌بخشی دارد. او، همچنین ایزد رهایی‌بخش است که هر از گاهی بر زمین می‌آید تا با کشتن گاو (در آئین مهری) یا رهبری کردن مردم (در آئین مانوی) نعمت و نجات را ارزانی مردم دارد (مکی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۷).

مهر، از قرار معلوم در نواحی دوردست ایرانی‌الاصل و زمینه‌های کاملاً مادی پرستش می‌شد؛ زیرا در تعبیرات زروانی^۵ که بر اساس مذهب ملی ایران بود و مجوس‌های مادی هم آن را قبول داشتند مقام والایی داشت. زروان، که ارجمندترین خداوند آن زمان بود و خداوند زمان و سرنوشت شناخته می‌شد، دارای مقامی بالاتر از آن بود که در کار بشر دخالت کند. پسر او، اورمزد بود که با اهریمن که نیروی شیطانی شناخته می‌شد می‌جنگید. بین این دو، مهر، که جنبه میانجی را داشت قرار گرفته بود و نجات‌شر در دست او که میانجی نیرومندی بین نیکی و بدی بود قرار داشت. پس شخصیت و وجود مهر بود که به عقیده نجات‌شر بستگی داشت (قدیانی، ۱۳۷۶، صص ۹۵ و ۹۴).

در ایران باستان، پرستش مهر یا میترا، دین برگزیدگان بوده و همه کس به آن دسترسی

۱. هامون (دریاچه)
۲. اوشیدرماه / Ūšidarmah / هوشیدرماه
۳. هوشیدرماه نام دومین موعود زرتشت. به معنای پروراندن نیایش. او بعد از هوشیدر ظهور می‌کند (آموزگار، ۱۳۸۸، ص ۲۱).
۴. sošyānt. منجی موعود در دین زرتشتی (صدری افشار، نسیرین حکمی و نسترن حکمی، ۱۳۸۸، ج ۲ ص ۱۶۷۵).
۵. ورثرغنه، vereerayana یا بهرام، یکی از یشت‌ها، یعنی یشت چهاردهم منسوب است به این ایزد، به نام بهرام یشت که از جمله سرودهای بسیار کهن آریایی است (رضی، ۱۳۸۱، ج ۵ ص ۲۲۱۴).
۶. آیین زروان از ادیان ایران باستان بوده در زمان ساسانیان زروان خدای زمان بوده و لقب او اکرانگ به معنای لایتنامی است (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۳ ص ۱۵۷۲).
۷. مغز. تابعان زرتشت را گویند. قوم آتش‌پرست که از تابعان زرتشتند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳ ص ۱۷۱۲).



نداشت و لازمه تشریف به اسرار تحمل مشقات بسیار و عبور از مراحل و مقامات گوناگون بوده است (نادرزاد، ۱۳۷۶، ص ۱۳۳).

بنابر دیوار نگاره‌های مهرابه‌ها در کشورهای غربی، مهر به صورت کودک یا جوانی از صخره زاده می‌شود، با دشنه‌ای که روزی با آن گاو نر را می‌کشد و با مشعل آتشی که نماد نوری است که با او به جهان می‌آید. این ایزد، پس از زادن بر آن شد تا نیروی خود را بسنجد، از این رو، نخست با خورشید زورآزمایی کرد و در این کار خورشید تاب نیروی مهر را نیاورد و بر زمین افتاد. این نشان آن بود که خورشید با مهر بیعت کرد، پس مهر تاجی بر سر خورشید نهاد و از آن پس، آن دو یاران وفادار هم شدند (آموزگار، ۱۳۸۸، ص ۲۰). سنت کشتی گرفتن در زورخانه‌ها و ارتباط آن با آئین مهر تقلید الگوی کهن کشتی مهر و خورشید است. رسم دیگر در زورخانه، زنگ زدن است، و آن زنگی است که با زنجیر بر سردم زورخانه آویزان است، در معابد مهری نیز این زنگ یافت شده است (بهار، ۱۳۸۱، ص ۳۷) نگاره‌ها، گویای نبرد مهر با گاو نیز هستند که مهر شاخ گاو را به دست می‌گیرد، بر او سوار می‌شود و او را به غاری می‌کشاند، مهر به دنبال او می‌رود تا سرانجام او را یافته و می‌کشد (آموزگار، ۱۳۸۸، ص ۲۱). داستان کشته شدن گاو مقدس به دست ایزد میترا (مهر)، بسیار معروف و جنبه توتم‌کشی دارد (فضایی، ۲۵۳۶، ص ۲۵۳). پس از کشته شدن گاو از تن گاو حیات گیاهی و جانوری به وجود می‌آید و زیربنای تولید غلات فراهم می‌شود (آموزگار، ۱۳۸۸، ص ۲۱). مهریان ایران می‌پنداشتند که «بُغ مهر» در کوه البرز در یک غار از فروغ زاییده شده است. چون از برخوردن دو سنگ آذری سخت به همدیگر آذرخش می‌جهد، از اینرو، پیدایش مهر را همچنین می‌پنداشتند که مهر هم مانند آذرخش از سنگ بیرون جسته است. در مهرابه‌های اروپا و آسیای کوچک، زایش مهر را در هنگام برون آمدن از سنگ نشان داده‌اند. نباید پنداشت که مهر از سنگ زاییده شده، بلکه زاده فروغ است و به جهان آمدنش این چنین نموده شده است (حامی، ۲۵۳۵، صص ۶-۹). در صحنه زایش، مهر از چیزی مانند میوه کاج بیرون می‌آید که از نظر محمد مقدم غنچه گل نیلوفر است نه صخره^۱ (مقدم، ۱۳۵۳، پاورقی ص ۶۵).

بنابر باور مهریان که مهر در غار زاییده شده، مهریان هر جا غار می‌یافتند بغ مهر را در غار نیایش می‌کردند و آنجا را مهرابه می‌گفتند. در جاهایی که غار نبوده، زمین را می‌کنند و در زیرزمین ایزد مهر را نیایش می‌کردند. در جاهایی که زمین آبدار بود مهرابه را روی زمین می‌ساختند در بلندی‌ها به‌ویژه جایی که آب روان داشت، مهرابه را کنار آب روان می‌ساختند (حامی، ۲۵۳۵، صص ۶۳ و ۶۲). غار کنایه است از جهان مادی که مهر از برای جانداران آن را آفریده است (رضی، ۱۳۵۹، ص ۷۷). مهرپرستان هنگام برآمدن پگاهان که خور نمایش شکوه ایزد مهر است. برخی به سوی خورآیان (مشرق) می‌خمیده‌اند و

۱. پیشنهاد صخره از اینجا سرچشمه می‌گیرد که یکی از لقب‌های مهر در یونانی Petregenes (صخره‌زاد) است. شاید زاده شدن مهر از سنگ و صخره نیز بنیادی داشته باشد، ولی بیشتر به نظر می‌رسد که تصحیفی عمدی یا سهوی باشد چنانکه در مورد واژه‌های دیگر مهری دیده می‌شود. در یونانی Petra صخره و Petal-on گلبرگ است. و گیاهی نیز هست که Petron نام دارد (مقدم، ۱۳۵۳، ص ۶۵).



هنگام فرورفتن خورشید به سوی خور برآن (=مغرب) می‌ایستاده‌اند و به نیایش سر فرود می‌آوردند (بهرامی، ۱۳۷۸، ص ۷۳). نه تنها تعמיד و دستنماز و غسل، بلکه سنگاب‌های بزرگ و زیبایی جلوی مساجد یادگارهای مهری هستند. واژه ایرانی مهراس (آس = سنگ) که در عربی ضبط است، به معنای سنگی است که میان آن تهی کرده در آن آب ریزند و با آن وضو سازند (مقدم، ۱۳۵۳، ص ۶۲).

نخستین مهرابه‌ها، گاباره‌ها (= غارها) بوده‌اند، از آن رو که مهر در گاباره پدید آمده است یا به زیان درون نگرانه، روشنایی از دل تاریکی بیرون جهیده است (پرتو، ۱۳۷۳، ص ۴۳).

فادهای مهری

مهریان شب یلدا را «زادشب مهر» می‌دانستند. شب، نشانه تاریکی اهریمنی و روز نشانه روشنی ایزدیست. چون شب یلدا بلندترین شب سال است که پس از آن روزها بلند می‌شوند و روشنی بر تاریکی چیره می‌گردد. از این رو، شب آغاز زمستان را «زادشب ایزد فروغ» پنداشته‌اند. در این شب، چره (از ریشه چریدن، چُرک = نان هم از ریشه چریدن است) می‌خورند، میان میوه‌ها، بیشتر انار و میان سبزی‌ها، بیشتر هندوانه می‌خورند، زیرا گل انار و گل هندوانه سرخ رنگ‌اند و مهریان به رنگ سرخ دلستگی زیاد داشتند، مهریان، سرخی بامدادی پیش از برآمدن آفتاب را «مظهر جلوۀ ایزد مهر» می‌دانستند (حامی، ۲۵۳۵، ص ۱۰).

چلیپا یا صلیب شکسته، قدیمی‌ترین نماد مهری، یعنی مربوط به دوران ماقبل تاریخ و مهر اولیه است که بیانگر آخشیج‌های چهارگونه (آب، باد، خاک، و آتش است) است؛ دومین نماد وابستگی پیروان مهری با آب است (کاپله، ۱۳۸۱، صص ۴۳-۴۵). کافی است در نمادهای میتراپی مانند صدف، ماهی، درخت زندگی، گیاهان مقدس هوم^۱ و برسم^۲، باد، آب، شبان-چوپان، ماه، ستاره، گاو (که درکش با هلال و قرص ماه و آب و رویش و بالش همراه است)، نقوش منطقه البروج، خوشه گندم، عقرب، سگ، و خون را مورد مذاقه و کاوش قرار داد، چون همه اینها با معیشت آدمی بستگی دارد. به همین جهت است که خداوندگار خورشید نعمت، برکت، رویش گیاه، ازدیاد باران و آب، خوراک، دام و گله، ثروت، نیرومندی و دلیری، خرد و بینش، فرزندان فراوان، زنان خوب و زیبا، جلب توجه و حمایت نیاکان (فروشی‌ها) همه و همه را که مؤمنان از او خواستارند و در نیایش‌های خورشیدی می‌طلبند، می‌بخشاید (رضی، ۱۳۷۹، ص ۳۱).

نیلوفر، مانند مظاهر فرّ، هم نماد قدرت بود و هم القای نیکبختی می‌کرد (سودآور، ۱۳۸۴، ص ۶۳). زایش مهر سوشیانس از دوشیزه‌ای که در آب بارور شده نشان آن است که مهر سوشیانس از راه عشق حیوانی پدید نیامده است (یکتایی، ۲۵۳۵، ص ۲۲۸). در نظر مهریان،

۱. Hom گیاهی مخدر که افشروی آن نیرودهنده و شفابخش است. در صورتی که بر آن دعا بخوانند می‌تواند به کسی که آن را می‌خورد جاودانگی عطا کند (کرباسیان، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳).

۲. برسم Barsam از کلمه برسمن اوستایی و مشتق از برز به معنی بالش و نمو شاخه‌های بریده درخت است که هریک را در پهلوی تاک و در فارسی تاق گویند که باید از رستنی باشد نه از فلز و از درختی پاکیزه و متأخران گویند از انار باید باشد و مراد از رسم برسم گرفتن که در ایران قدیم بسیار است و دعا خواندن، اظهار سپاس کردن نعمت‌های خداوند است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳ ص ۴۶۸).



این یکی از برجسته‌ترین رویدادها بوده است. از این رو، در نمادهای مهری همبستگی ویژه‌ای با آب و آنچه در آب بارور می‌شود و می‌روید دیده می‌شود، که برجسته‌ترین آنها مروارید، دلفین و نیلوفر است (مقدم، ۱۳۸۵، ص ۳۲). در بالای سنگ هسیان فو درست بالای چلیپا یک مروارید درشت است. دو کنار آن دو دلفین (ماهی پستاندار) است که در دم خود نیز مروارید دارند. چلیپا نیز روی گل نیلوفر گذاشته شده و در دو کنار گل نیلوفر دو ابرو و دو شاخ گل دیده می‌شود (مقدم، ۱۳۵۳، ص ۸۸).

در روایتی زرتشتی، تخمه زرتشت در آب (کانفسه، کیانسیه در اوستا کانسویه) دریاچه هامون فعلی جای داشت (کاپله، ۱۳۸۱، صص ۴۵-۴۳)، مانند مروارید در گل نیلوفر آبی (یکتایی، ۱۳۴۹، ص ۹۴) و توسط ۹۹۹۹۹ موکل نگهبان نگهداری می‌شد. بارور شدن «ناهید» پس از شست‌وشوی خود در آن آب و زایش مهر، یکی از بارزترین مشخصه‌های مهری است که علاوه بر وابستگی آئین مهری با آب، موجب می‌شود بعدها چاه آب یا نهری جاری یا تالاب، برکه و رودخانه‌ای همیشه جزئی از معماری مهری شود (کاپله، ۱۳۸۱، صص ۴۳-۴۵). دلفین، در آئین مهر، در مفهوم، نور میترا را تداعی می‌کند پس از مروارید و صدف بهترین نماد در داستان نگهداری و پروراندن تخمه سوشیانس در آب، دلفین بود (باوری، ۱۳۹۲، ص ۱۳۱). بالای درگاه غار بزرگتر در طاق بستان در دو طرف دو فرشته بالدار دیده می‌شوند. یکی از این فرشته‌ها دیهیم مروارید و دیگری پیاله‌ای پر از مروارید در دست دارد (مقدم، ۱۳۵۳، ص ۷۳). فر فریدون، به بن بوته نی نشست و به میانجی شیر گاوی که آن نی را خورده بود، به مادر فریدون و سرانجام به فریدون در آمیخت و همچنین گوهر تن زرتشت به میانجی آب و گیاه به او راه یافت. بدیهی است که گیاهی که درخور نگاهداری فرسوشیانس در دریاچه باشد همان گل نیلوفر آبی خواهد بود. درباره نیلوفر گویند که با آفتاب از آب سر بیرون می‌آورد و باز با آفتاب فرو می‌رود، و گویند مرغی به وقت فرورفتن نیلوفر درمی‌آید و صباح که نیلوفر از آب برمی‌آید و دهان می‌گشاید آن مرغ می‌پرد و می‌رود و شب از آب هیچ زحمت نمی‌کشد (مقدم، ۱۳۸۵، ص ۴۰). گل آفتابگردان همیشه نمودار خورشید بوده است و نیلوفر نمودار آب‌ها، چنانکه در بندهش^۱، هریک از امشاسپنتان را گلی نسبت داده‌اند، گل نیلوفر آبی، گل آبان است و گل آفتابگردان، گل مهر (سودآور، ۱۳۸۴، ص ۷۵).

گل نیلوفر در مرکز آفرینش قرار دارد و هستی از آنجا نشأت می‌گیرد. گل نیلوفر توسط ساقه بلندی همانند بند ناف در جنین، پل ارتباطی گل با جهان زیرین و اولیه است. نیلوفر نماد کمال است، زیرا برگ‌ها، گل‌ها، و میوه‌اش دایره‌ای شکل‌اند. نیلوفر یعنی شکستن معنوی، زیرا ریشه‌اش در آب گل‌آلود است و به سمت بالا می‌روید، از آب‌های تیره خارج می‌شود، و گل‌ها زیر نور خورشید و روشنایی آسمان رشد می‌کنند. ریشه‌اش مظهر ماندگاری و ساقه‌اش

۱. bondaheshn (= بنیاد آفرینش) کتاب
دایره المعارفی به زبان پهلوی، که دارای دو
ویرایش معروف به بندهش هندی و بندهش
ایرانی (ترجمه) است (صدری افشار، نسرین
حکمی و نستر حکمی، ۱۳۸۱، ج ۱ ص ۵۴۸).



بند ناف است که انسان را به اصلش پیوند می‌دهد. گلبرگ‌هایش پرتوهای خورشید، و غلاف دانه‌اش، نماد باروری و آفرینش است. نیلوفر، نماد انسان فوق‌العاده یا تولد الهی است، زیرا بدون هیچ ناپاکی از آبهای گل‌آلود خارج می‌شود. ایزدان از نیلوفر بیرون می‌آیند. بنابر باورداشت‌های روزگار ساسانیان، گل بنفشه ویژه ایزد میترا، سوسن ویژه امشاسپند «خرداد»، نیلوفرآبی ویژه ایزدبانو «آناهیتا»، مورد و یاسمن ویژه «اهورامزدا»، و سیسنبر^۱ از آن «ایزدبهرام» است (کویاجی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۲). اهورامزدا، به صورت آناهیته (مظهر آب) - میترا (مظهر خورشید) - زروان (مظهر آتش) شاید آثار آئین بس قدیمی آریایی‌ها باشد که نیروهای طبیعی را می‌پرستیدند و عناصر مقدس را نمی‌آلودند (وزیری، ۱۳۴۶، ص ۱۳۲).

در تزئینات کاخ تخت جمشید، سروها و نیلوفرهای آبی مقدس، که صورتی انتزاعی یافته‌اند، بر دیوار پلکان‌های آپادانا، نقش برکت‌آور و نعمت‌بخش این بنا را نشان می‌دهند و چون به آپادانا و کاخ تخت می‌رسیدند، ده‌ها و ده‌ها ستون که نماد باغی مقدس بود، در برابرشان سر می‌کشیدند (بهار، ۱۳۸۱، صص ۱۸۰-۱۸۱).

در تمام قسمت‌های قصر هخامنشیان در تخت‌جمشید، نمادهای ماه و خورشید گاه به‌همراه هم و گاه جدا از یکدیگر به‌چشم می‌خورند، ابوالهول‌های نگهبان کاخ، تاج نیلوفرآبی به‌سر دارند که نماد خورشید است. مهر و آناهیتا، خدای آب‌ها، که به‌عنوان الهه باروری (اکرمن^۲)، معتقد است آناهیتا همان درواسپ است که سابقاً الهه باروری بوده است) اعتبار بسیار داشت و همراه با اهورامزدا در عهد هخامنشیان تثلیث مقدسی تشکیل دادند (صمدی، ۱۳۸۳، صص ۳۴ و ۳۵). بسیاری از رموز و اسرار آئین میترا، برخلاف آنچه که مشهور شده، اصل و بنیان ایرانی خود را حفظ کرده است. ماهی نیز باید چنان باشد. اگر نقوش روی کاسه کشف شده از تپه حسنلو را در نظر آوریم، در قسمتی از نقوش به‌روی کاسه، نقش یک ماهی دیده می‌شود. در قسمت فوقانی، ارابه‌هایی به‌نظر می‌رسند که گردونه‌رانی آنها را هدایت می‌کنند. این گردونه‌ها و نقش سلاح‌ها و کسانی که گردونه را می‌رانند و بسیاری دیگر از تصاویر با آنچه درباره مهر از روی مهریشت می‌دانیم قابل انطباق است (رضی، ۱۳۵۹، صص ۸۸-۸۹). برخلاف آنچه تصور می‌شود، مهر ایزد خورشید نیست، بلکه ایزد پرتو آفتاب است (رضی، ۱۳۵۹، ص ۴۸). مهر، پیش از خورشید ظاهر می‌شود و همراهی او با خورشید باعث شده است که بعدها مهر معنی خورشید پیدا کند. او همراه خورشید [سوار بر گردونه‌ای] از مشرق به مغرب می‌رود و پس از فرورفتن خورشید نیز به زمین می‌آید و بر پیمان‌ها نظارت می‌کند (آموزگار، ۱۳۸۸، ص ۲۰). بهرام (ایزد پیروزی)، سروش (ایزد فرمانبرداری و پیام نیک)، رشن^۳ (ایزد دادگری)، ارشئاد (ایزد درستی و راستی)، پارانند (ایزد نیکبختی و فراوانی)، اش^۴ (= ارت) (ایزد توانگری و دارایی) در پیش و پس و راست و چپ او می‌تازند (عناصری، ۱۳۷۴، صص ۸۹-۹۰). آنچه از مقایسه مهر

۱. اسم [نام‌تداول] سوسنبر: susanbar
 ۲. گیاه از تیره نعناعیان (صدری افشار، نسرین حکمی و نستر حکمی، ۱۳۸۸، ج ۲ ص ۱۶۷۴).
 ۳. Phyllis Ackerman
 ۴. از ایزدان زرتشتی موکل عدالت، که روز هجدهم هر ماه شمسی به نام اوست (صدری افشار، نسرین حکمی و نستر حکمی، ۱۳۸۸، ج ۱ ص ۱۴۰۹).
 ۵. اژه در زرتشتی ملقب به ونگهو (= نیک) ایزدبانوی ثروت و توانگری. در روز واپسین پاداش کار نیک. بادافره کارهای بد به دستبازی او داده می‌شود. گل همیشه بهار متعلق به اوست (کریاسیان، ۱۳۸۴، ص ۲۳).



یشت و خورشید یشت برمی آید و نیز ملاحظه می‌شود که خورشید در روایات دینی گردونه‌ای نداشته و گردونه خاص مهر بوده است (بختورتاش، ۱۳۵۱، ص ۹۹).

عدد هفت در آئین مهری مقدس است (اقتداری، ۲۵۳۴، ص ۴۹). پس از ورود این کیش به بین‌النهرین تحت تأثیر عقاید کاهنان کلدانی و علم نجوم، عدد دوازده، که نشانه منازل گردش زمین در طول خورشید است، بدان اضافه گشت. سیرو سلوک پیروان مهری در این آئین، هفتگانه است که مرحله نخست مقام کلاغ است، نماد هوا؛ دوم مقام همسر یا عروس کریفیوس، کریپتوس = پوشیده، پنهان، نماد آب؛ سوم مقام سرباز است، نماد خاک؛ چهارم مقام شیر است، نماد آتش؛ پنجم مقام پارسی (شاید پارسا) نماد ماه و آزادی و آزادگی؛ ششم مقام پیک خورشید؛ و هفتم مقام پیر یا مرشد است.

نماد دیگر، کلاه مهری است که بی‌شک همان کلاه سکایی است که در نقوش برجسته از آنها به نام نیزخودان یاد می‌شود که بعد از راهیابی آئین مهری به اروپا، به کلاه فریژی یا فریگی معروف گشته است. گل نیلوفر، که مهر از آن متولد می‌شود و سمبل تضاد دوگانگی درونی و نفسانی انسانی است، یعنی نیم‌الهی و نیم‌شیطانی، نیم انسانی و نیم حیوانی و در نهایت جمع دو ضد در قالب انسان.

خال یا داغ روی پیشانی یا روی دست هم یکی از نمادها و نشانه‌های پیرامون مهری است (کاپله، ۱۳۸۱، صص ۴۶ و ۴۷). می‌گویند پس از آنکه دادخواه از آزمایش پذیرش مهر پیروز بیرون می‌آمد و پایگاه‌های هفتگانه را می‌گذراند، نشانی با مهر بر پیشانی او می‌زدند و چلیپا داغ می‌کردند (بختورتاش، ۱۳۸۶، ص ۲۰۶).

نقش مایه‌های ایرانی بر مهرها و فلوس‌ها در دوره اسلامی

مهرهای دوره قاجار، گویای نحوه زندگی و بازتابی از تاریخ مذهبی، اجتماعی، و فرهنگی جامعه انسانی آن روزگار است. آنچه مهرهای دوره قاجار را از دیگر دوره‌ها متمایز می‌کند ظهور نقشمایه انسان، حیوانات، و گیاهان در مهرهای افراد عادی جامعه است. مهرهایی از این نوع در اسناد معمولی به‌وفور یافت می‌شود که به دلیل کم‌اهمیت بودنشان از نظرها دور مانده‌اند. فلوس‌ها نیز از این قاعده جدا نبوده‌اند، فلوس‌ها در استفاده از نقشمایه‌ها بسیار متنوع‌اند و به این دلیل که از سوی حکام محلی ضرب می‌شدند عقاید و باورهای جامعه را بهتر باز می‌تابند. پس از استیلای اعراب مسلمان بر ایران، ضرب سکه‌های اسلامی با خط کوفی و بدون تصویر آغاز شد. سکه‌های خطی و بدون تصویر در ایران تا دوره قاجار رواج داشت (شمس اشراق، ۱۳۶۹، صص ۱۰-۱۱). در دوره اسلامی، به دلیل نهی پیکره‌نگاری و تندیس‌سازی، هنرمندان نومسلمان در عرصه خط و خوشنویسی خلاقیت نشان دادند و نقر تصویر، که



پیش از اسلام متداول بود، از مهرها و سکه‌ها حذف شد و حکاکی خطوط گوناگون رونق یافت (جدی، ۱۳۸۸، ص ۷).

از قرن اول تا دوره سلجوقی، روی سکه‌ها، تنها تصویر شمشیر و در برخی موارد هلال ماه و ستاره نقش شده است، ولی تصاویر حیوانات مختلف از دوره صفوی به بعد بر فلوس‌ها ضرب شد (پاشایی و جباری، ۱۳۹۱، ص ۸۲). با استقرار سلسله صفوی و گسترش جنبش‌های جدید فکری و هنری تصویرسازی که تا قبل از آن تنها به بهانه مصورکردن اشعار و داستان‌ها خلق می‌شد و اندازه آنها از قطع کتاب‌ها تجاوز نمی‌کرد، تحولات تازه‌ای پیدا کرد و در اندازه‌های طبیعی و گاه بزرگتر روی کاخ‌ها و سردر بازارها و حمام‌ها، زیر گنبد و دیوار امازاده‌ها و پرده‌های تعزیه‌خوان‌ها آمد. تصویر جانوران خوش‌یمن مثل شیر، اسب، مرغ و ماهی بیش از دیگر جانوران در آرایش اشیا استفاده شد و برخی جانوران به دنبال سنت‌های مذاهب قبل اسلام، همچنان اهمیت خود را حفظ کرده بودند؛ ولی با تغییراتی که در مفاهیم و کاربردهای آنها به وجود آمد، در فرهنگ جدید ادغام شدند (افروغ، ۱۳۸۹، صص ۴۰ و ۴۱). در دوره صفوی نقش بُز کوهی، ماهی، و مار روی سکه‌ها ضرب می‌شد. در اسلام، با اینکه کشیدن صورت انسان مذموم و تحریم شده بود، فتحعلی شاه قاجار، نخستین پادشاهی است که اقدام به ضرب سکه با تصویر خود کرد. از آن پس، ضرب سکه با تصویر شاهان رایج شد (پاشایی و جباری، ۱۳۹۱، ص ۸۲).

تعدادی از فلوس‌های مورد مطالعه در مقاله، به دلیل ساینده‌گی، فاقد اطلاعات لازم در مورد محل ضرب‌اند، با این حال، آن تعداد از مهرها که از کیفیت بهتری برخوردارند برای نتیجه‌گیری در مورد فرضیه فرعی مبنی بر ارتباط نقش ماهی با اقلیم مردم آن منطقه کافی‌اند. محل ضرب فلوس‌های مورد مطالعه شهرهای رشت، همدان، نخجوان، ساوجبلاغ، تهران، دزفول، تبریز، و اردبیل است، همانطور که می‌دانیم اگرچه در تعدادی از این شهرها رودهای پُر آب و ماهی و حتی دریا موجود است، ولی در برخی از شهرهای محل ضرب نشانی از رود و دریا و وابستگی مردمانش با ماهی و ماهیگیری وجود ندارد.

آنچه این مقاله در نظر دارد به آن بپردازد، ظهور نقشمایه ماهی آئین مهر در مهرهای دوره قاجار و فلوس‌های دوره صفویه و قاجار است. استفاده از این نقشمایه در مهرها و فلوس‌ها به سه شکل بوده است:

۱. مهرها و فلوس‌هایی با تصویر دو ماهی

همانطور که پیش‌تر توضیح داده شد، فرزندت در آب نگاه داشته می‌شد، مهر می‌بایست از آن تخمه بیرون می‌آمد، او را همچون مروارید می‌پنداشتند که درون صدف نگهداری و



پرورده شده است. ویدنگرن^۱ می‌نویسد: مروراید در میان ایرانیان نشان بختار بوده و سپس در سرودهای سریانی نشان عیسی شده است و چون تخمه یا فرّ زردشت در آب نگاهداری می‌شد به نظر می‌آید جای نگهداری آن را در گل نیلوفر آبی (لوتوس) می‌دانستند. چنانچه در بندهشن آمده است: «این نیز گفته شده که خوره (فر) فریدون اندر زره فراخکرت به نی‌بن نشست» (مقدم، ۱۳۵۳، ص ۶۴).

فلوس‌های مورد بحث در این گروه از دوره صفویه تا قاجار و مهرها مربوط بر دوره قاجار می‌باشند. در اغلب فلوس‌ها و مهرهای مورد بحث، دو ماهی به شکلی انعطاف‌پذیر حول محیط دایره‌ای یا بیضی شکل فلوس و مهر نقش شده‌اند و گاهی میان آن دو گلی چندپیر نفر شده است.

در مهرهای مورد مطالعه (تصاویر ۴، ۵، ۶، و ۷) دو ماهی در حول محیط بیضی شکل مهر نمایانده شده‌اند که یادآور حوض‌های فیروزه‌ای ایرانی با ماهیان قرمزند که گرداگرد حوض شنا می‌کنند. در سه مهر از مهرهای مذکور (تصاویر ۴، ۵، و ۶) ماهی در دو کنار مهر و میان آنها نام صاحب مهر حک شده است، در یکی از مهرها (تصویر ۶) علاوه بر نام صاحب مهر گلی چندپیر در میان دو ماهی و در دو کنار نام «محمد» نقش بسته است. این گل چندپیر در مهری دیگر (تصویر ۵) در سمت چپ مهر حک شده است. نقشمایه گل چندپیر، که در فلوس‌ها نیز موجود است، می‌تواند نماد گل نیلوفر باشد که فرّ زردشت را نگاه می‌داشته است، و همچنین می‌تواند اشاره‌ای به گیاه هوم و کرم‌ماهی که بیشتر در مورد آن سخن رفت داشته باشد. در سه مهر (تصاویر ۴، ۵، و ۶) دو ماهی در خلاف جهت هم و عمود بر محور افقی شکل بیضی قرار گرفته‌اند. برخلاف این سه مهر، در مهری دیگر (تصویر ۷) دو ماهی در یک‌جهت و به سمت راست در حال حرکت‌اند و موازی با محور افقی شکل بیضی حک شده‌اند و در میان آن دو کلمه «خداداد» نفر گردیده است.

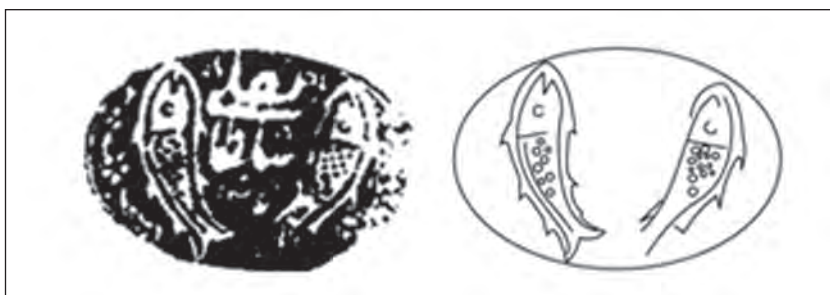
تصویر شماره ۴

مهر دوره قاجار، نگارنده



1. Widengren





تصویر شماره ۵

مهر دوره قاجار
(احتشامی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۸).



تصویر شماره ۶

مهر دوره قاجار،
مجموعه شخصی رجحانه حسینی.



تصویر شماره ۷

مهر دوره قاجار
(احتشامی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۸).

فلوس های مورد مطالعه، به دلیل سایدگی فاقد جزئیات اند، ولی آنچه باقی مانده نمادهای مهري را به وضوح بازمی نماید. در فلوس های مذکور، که تصویر دو ماهی بر آنها ضرب شده، دو ماهی در محیط دایره در حرکت اند. جهت حرکت دو ماهی در فلوس ها (تصاویر ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، و ۱۸) در یک جهت است. در تعدادی از فلوس ها (تصاویر ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، و ۱۸) دو ماهی به سمت چپ و در دو فلوس (تصاویر ۸ و ۱۶) به سمت راست در حرکت اند.

همانطور که قبلاً توضیح داده شده نمادهای مهري، با آب و آنچه در آب بارور می شود و می روید همبستگی ویژه ای دارد که برجسته ترین آنها مرواید، دلفین [ماهی] و نیلوفر است (مقدم، ۱۳۸۵، ص ۳۲). در تعدادی از فلوس ها (تصاویر ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۶،



و ۱۸) در میان دوماهی گل چندپیر یا شاخه‌ای به نشانه گیاه ضرب شده است. در تعدادی از فلوس‌ها (تصاویر ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، و ۱۴) علاوه بر نقش مایه ماهی، نیلوفر رشته‌های مروارید نیز ضرب گردیده که از نمادهای مهری است.

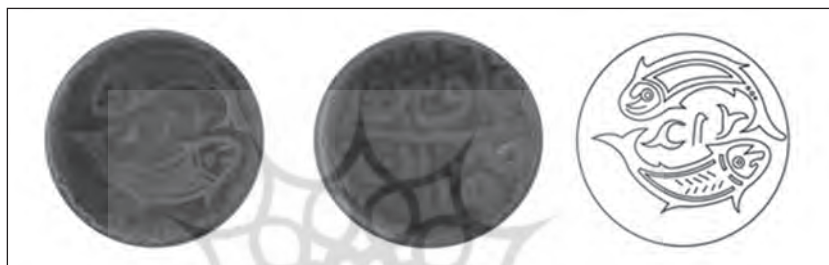
تصویر شماره ۸

فلوس دوره قاجار
(علاالدینی، ۱۳۹۱، ص ۷۵).



تصویر شماره ۹

فلوس دوره صفوی (علاالدینی، ۱۳۹۱،
ص ۱۴۹).



تصویر شماره ۱۰

فلوس دوره قاجار. موزه ملی.



تصویر شماره ۱۱

فلوس دوره قاجار. موزه ملی.





تصویر شماره ۱۲

فلوس، مجموعه شخصی حسن پاکزادیان.



تصویر شماره ۱۳

فلوس دوره قاجار
(علالدینی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶).



تصویر شماره ۱۴

فلوس دوره قاجار. موزه ملی



تصویر شماره ۱۵

فلوس دوره قاجار
(علالدینی، ۱۳۹۱، ص ۸۷).



تصویر شماره ۱۶

فلوس، مجموعه شخصی حسن پاکزادیان.



تصویر شماره ۱۷

فلوس دوره آقا محمدخان.
موزه بانک سپه.



تصویر شماره ۱۸

فلوس دوره قاجار
(علالدینی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲).



۲. مهرهایی با نقشمایه چهره انسان و نقش دو ماهی

دین مهر، سرچشمه تعدادی از نقشه‌ها و نقش‌های ایرانی، از جمله هراتی و ماهی درهم در نقوش قالی است. بافت ماهی درهم در بیشتر نقاط ایران کاربرد داشته است. تنها کاربرد این نقش اسطوره‌ای بر فرش نبوده و در ضرب سکه، نقش برجسته، نگارگری، معماری، و حتی بر تاج تیگران دیده می‌شود.

بنیاد و اصل آن، دو یا چهار برگ خمیده است که گل بزرگی را در برگرفته‌اند. از گل وسط به همان نیلوفرآبی یا شاه‌عباسی تعبیر می‌شود. برگ‌ها در ابتدا ماهی بوده‌اند که در دوران اسلامی به برگ مبدل شده‌اند (افروغ، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰). همانطور که پیش‌تر گفته شد دراصل، مایگان هراتی از چهره مهر و دو ماهی شکل گرفته است که در دوره اسلامی چهره مهر به گلی معمولاً هشت‌پر تبدیل شده است (حصوری، ۱۳۸۷، ص ۳۰).

مهرهای مورد مطالعه در این بخش، که اغلب از اسناد نظامیان جمع‌آوری شده، بیشتر به شکل بیضی عمودی‌اند. در قاب بیضی عمودی شکل مهرهای مورد مطالعه چهره انسانی با دو ماهی و گلی چند پر در دو کنار آن احاطه شده است (تصاویر ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، و ۲۸). در تعدادی از مهرها، در دو کنار چهره انسانی، به جای ماهی تصویری شبیه به برگ یا خوشه گندم نقر شده است که تداعی تصویر ماهی را دارد. با استناد به مهرهایی با چهره انسانی و ماهی، یقیناً دو برگ و گلی چندپر در دو کنار چهره انسانی به سنت تبدیل ماهی به برگ در دوره اسلامی مرتبط می‌شود (تصاویر ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، و ۳۷).



تصویر شماره ۱۹ و ۲۰

۱۹. مهر دوره قاجار. نگارنده
۲۰. مهر دوره قاجار (جدی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۰).



تصویر شماره ۲۱ و ۲۲

۲۱. مهر دوره قاجار،
مجموعه شخصی محمد جواد جدی.
۲۲. مهر دوره قاجار، مجموعه شخصی
رجحانه حسینی.



تصویر شماره ۲۳ و ۲۴

۲۳. مهر دوره قاجار، مجموعه شخصی
محسن احتشامی.
۲۴. مهر دوره قاجار، مجموعه شخصی
محسن احتشامی.



تصویر شماره ۲۵ و ۲۶

۲۵. مهر دوره قاجار، مجموعه شخصی
محسن احتشامی.
۲۶. مهر دوره قاجار، مجموعه شخصی
صادق تبریزی.



تصویر شماره ۲۷ و ۲۸

۲۷. مهر دوره قاجار، مجموعه شخصی
 محسن احتشامی.
 ۲۸. مهر دوره قاجار، مجموعه شخصی
 محسن احتشامی.



تصویر شماره ۲۹ و ۳۰

۲۹. مهر دوره قاجار، مجموعه شخصی
 محسن احتشامی.
 ۳۰. مهر دوره قاجار (احتشامی، ۱۳۸۳،
 ص ۱۵۰).



تصویر شماره ۳۱ و ۳۲

۳۱. مهر دوره قاجار، مجموعه شخصی
 محسن احتشامی.
 ۳۲. مهر دوره قاجار، مجموعه شخصی
 محسن احتشامی.



تصویر شماره ۳۳ و ۳۴

۳۳. مهر دوره قاجار. نگارنده.
 ۳۴. مهر دوره قاجار (جدی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۰).





تصویر شماره ۳۵ و ۳۶

۳۵. مهر دوره قاجار، مجموعه شخصی
محسن احتشامی.
۳۶. مهر دوره قاجار، مجموعه شخصی
صادق تبریزی.

تصویر شماره ۳۷

مهر دوره قاجار، مجموعه شخصی
صادق تبریزی.

۳. مهرها و فلوس‌هایی با نقشمایه یک ماهی

در تعدادی از مهرها، صاحب مهر تنها به حک یک ماهی (تصاویر ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، و ۴۷) و در برخی موارد گلی چندپر در کنار آن اکتفا کرده است (تصاویر ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، و ۴۷). قابل ذکر است تعدادی از این نوع مهرها دارای کیفیت پائینی بوده و جزئیات آنها واضح نیست. این مهرها به شکل بیضی افقی‌اند و نقشمایه ماهی در بخش پائین مهر (تصاویر ۳۹، ۴۰، ۴۵، و ۴۶) یا در بخش بالای آن (تصاویر ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، و ۴۷) حک شده است. در تعدادی از این مهرها نقاطی شبیه به مروارید حک گردیده است، شبیه آنچه در فلوس‌ها ضرب شده است (تصاویر ۴۳، ۳۴ و ۴۷). در تعدادی از فلوس‌ها نیز تنها نقش یک ماهی ضرب شده است. در برخی از آنها، نقش گل چندپر یا همان نیلوفرآبی نگهدارنده فر زردشت (تصاویر ۴۸، ۴۹، ۵۰ و ۵۲) و مروارید نماد مهری قابل مشاهده است (تصاویر ۴۸ و ۵۲).



تصویر شماره ۳۸ و ۳۹

۳۸. مهر دوره قاجار (احتشامی، ۱۳۸۳،
ص ۱۷۰).
۳۹. مهر دوره قاجار، مجموعه شخصی محمد
جواد جدی.

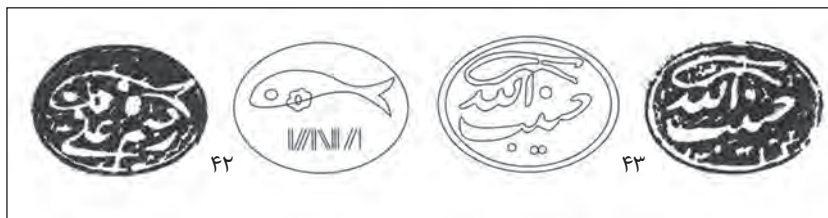
تصویر شماره ۴۰ و ۴۱

۴۰. مهر دوره قاجار (جدی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۰).
 ۴۱. مهر دوره قاجار (احتشامی، ۱۳۸۳،
 ص ۱۶۹).



تصویر شماره ۴۲ و ۴۳

۴۲. مهر دوره قاجار. نگارنده.
 ۴۳. مهر دوره قاجار. نگارنده.



تصویر شماره ۴۴ و ۴۵

۴۴. مهر دوره قاجار
 (احتشامی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۹).
 ۴۵. مهر دوره قاجار
 (احتشامی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۹).



تصویر شماره ۴۶ و ۴۷

۴۶. مهر دوره قاجار
 (احتشامی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۹).
 ۴۷. مهر دوره قاجار
 (احتشامی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۸).



تصویر شماره ۴۸

فلوس دوره قاجار، موزه بانک سپه.



تصویر شماره ۴۹

فلوس دوره؟ (علاالدینی، ۱۳۹۱، ص ۶۷).





تصویر شماره ۵۰

سکه ناصرالدین شاه
(PL.34.1951.Rabino)



تصویر شماره ۵۱

فلوس دوره صفوی
(علالدینی، ۱۳۹۱، ص ۱۸).



تصویر شماره ۵۲

فلوس (علالدینی، ۱۳۹۱، ص ۵۲).

نتیجه‌گیری

در روایتی زرتشتی، تخمه زرتشت در آب دریاچه هامون مانند مروارید در گل نیلوفر آبی است که توسط ۹۹۹۹۹ موکل نگهبان نگهداری می‌شود. زایش مهر سوشیانس از دوشیزه که در آب بارور شده یکی از بارزترین مشخصه‌ها و رویدادهای مهری است. از اینرو، در نمادهای مهری با آب و هرآنچه در آب بارور می‌شود و می‌روید همبستگی ویژه‌ای دیده می‌شود، که برجسته‌ترین آنها مروارید، دلفین، و نیلوفر است. پس از مروارید و صدف، بهترین نماد در خود داستان نگهداری و پروراندن تخمه سوشیانس در آب دلفین بود. این نقش، علاوه بر این، می‌تواند به کرم‌ماهی مربوط باشد که هر مزد دو یا ده ماهی کَر را آنجا بیافرید که پیرامون هوم همواره می‌گردند و از آن محافظت می‌کنند. در آثار برجای مانده از دوره‌های مختلف تا عصر حاضر، استفاده از نقش ماهی، گل نیلوفر آبی، و مروارید مشهود است. این نقش در طرح فرش «ماهی درهم» یا «هراتی» دیده می‌شود که عبارت است از دو ماهی و چهره مهر در میان آن. در دوره اسلامی، چهره مهر به گلی معمولاً هشت‌پر،



ضرب	مشخصات	فلوس
ضرب رشت	تصویر شماره ۸ فلوس دوره قاجار (علالدینی، ۱۳۹۱، ص ۷۵).	
ضرب همدان	تصویر شماره ۹ فلوس دوره صفوی (علالدینی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۹).	
؟	تصویر شماره ۱۰ فلوس دوره قاجار. موزه ملی.	
؟	تصویر شماره ۱۱ فلوس دوره قاجار. موزه ملی.	
؟	تصویر شماره ۱۲ فلوس، مجموعه شخصی حسن پاکزادیان.	
ضرب نخجوان	تصویر شماره ۱۳ فلوس دوره قاجار (علالدینی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶).	
ضرب طهران	تصویر شماره ۱۴ فلوس دوره قاجار. موزه ملی	
ضرب ساوجبلاغ	تصویر شماره ۱۵ فلوس دوره قاجار (علالدینی، ۱۳۹۱، ص ۸۷).	
	تصویر شماره ۱۶ فلوس، مجموعه شخصی حسن پاکزادیان.	
ضرب نخجوان	تصویر شماره ۱۷ فلوس دوره آقا محمدخان. موزه بانک سپه.	
ضرب طهران	تصویر شماره ۱۸ فلوس دوره قاجار (علالدینی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳).	
ضرب تبریز	تصویر شماره ۴۸ فلوس دوره قاجار، موزه بانک سپه.	
ضرب دزفول	تصویر شماره ۴۹ فلوس دوره ؟ (علالدینی، ۱۳۹۱، ص ۶۷).	
ضرب دزفول	تصویر شماره ۵۰ سکه ناصر الدین شاه (PL.34.1951.Rabino)	
ضرب اردبیل	تصویر شماره ۵۱ فلوس دوره صفوی (علالدینی، ۱۳۹۱، ص ۱۸).	
ضرب تبریز	تصویر شماره ۵۲ فلوس (علالدینی، ۱۳۹۱، ص ۵۲).	

جدول ۱

محل ضرب فلوس های دوره قاجار و صفوی



و دو ماهی بیشتر به دو برگ تبدیل شده است. از این زمان بوده که بافندگان از آوردن نقش حیوانات و انسان در فرش امتناع کرده‌اند. با استقرار سلسله صفوی جنبش جدید فکری و هنری رخ داد تصویرسازی که تا قبل از آن از قطع کتابها تجاوز نمی‌کرد، در اندازه‌های طبیعی زینت‌بخش دیوار کاخ‌ها، سردر بازارها، و حمام‌ها شد و تصویرجانوران خوش‌یمن مثل شیر، اسب، مرغ، و ماهی بیش از دیگر جانوران در آرایش اشیا استفاده شد. مقاله حاضر با هدف پیدایش نماد نقشمایه ماهی آئین مهر در مهرها و فلوس‌ها به مطالعه، تحلیل، و تطبیق این نقوش پرداخت. نتایج نشان داد نقشمایه ماهی در مهرها و فلوس‌ها به سه شکل دو ماهی در دو کنار اسم یا گلی چندپر، ماهی در دو کنار نقش صورت انسان، و نقش ماهی به صورت تنها در مهرها و فلوس‌ها حک و ضرب شده است. قابل ذکر است در تعدادی از مهرها در دو کنار نقش صورت انسان دو برگ حک شده است که به سنت تبدیل شکل ماهی به برگ در دوره اسلامی مربوط است. بر اساس یافته‌ها، فرضیه اصلی پژوهش (پیدایش نماد نقشمایه ماهی آئین مهر در مهرها و فلوس‌ها) تأیید می‌گردد. باتوجه به جمع‌آوری مهرهای مذکور از اسناد نظامیان و معلوم بودن شغل و درجه نظامی آنها نمی‌توان نقش ماهی را به شغل صاحبان مهر نسبت داد. همچنین، با معلوم بودن محل ضرب اغلب فلوس‌ها، می‌توان دریافت ضرب نقش ماهی در فلوس‌ها نمی‌تواند وابسته به اقلیم مردم آن منطقه باشد، در نتیجه، فرضیه فرعی مبنی بر ارتباط نقشمایه ماهی در فلوس‌ها با اقلیم مردمانش و همچنین ارتباط آن با شغل صاحبان مهرها مورد تأیید نیست.

فهرست تصاویر

- تصویر شماره (۴) مهر دوره قاجار، عتیقه‌فروشان خ. منوچهری تهران.
 تصویر شماره (۸) فلوس دوره قاجار، ضرب رشت، تاریخ ۱۲۳۵.
 تصویر شماره (۹) فلوس دوره صفوی، ضرب همدان، تاریخ ۱۰۹۸.
 تصویر شماره (۱۰) فلوس دوره قاجار، موزه ملی، تاریخ ناخوانا، شماره ۱۸۸۷.
 تصویر شماره (۱۱) فلوس دوره قاجار، موزه ملی، تاریخ ناخوانا، شماره ۱۸۸۶.
 تصویر شماره (۱۳) فلوس دوره قاجار، ضرب نخجوان، تاریخ ۱۱۹۸ ق.
 تصویر شماره (۱۴) فلوس دوره قاجار، موزه ملی، ضرب تهران، تاریخ ناخوانا، شماره ۲-۲۵۸۲.
 تصویر شماره (۱۵) فلوس دوره قاجار، ضرب ساوجبلاغ، تاریخ ۱۲۴۲.
 تصویر شماره (۱۷) فلوس دوره آقامحمدخان، ضرب نخجوان، موزه بانک سپه، ۱۱۹۸ ق، شماره ردیف: ۱۳۷۵۴.
 تصویر شماره (۱۸) فلوس، ضرب تهران، تاریخ ناخوانا.
 تصویر شماره (۱۹) مهر دوره قاجار، عتیقه‌فروشان خ. منوچهری تهران.
 تصویر شماره (۳۳) موزه ارومیه، شماره ثبت ۶۴۸۹، برنج.
 تصویر شماره (۴۲) مهر دوره قاجار، عتیقه‌فروشان خ. منوچهری تهران، برنج.



تصویر شماره (۴۳) مهر دوره قاجار، عتیقه‌فروشان خ. منوچهری تهران، تاریخ ۱۳۱۴، برنج.
تصویر شماره (۴۸) فلوس دوره قاجار، موزه بانک سپه، ضرب تبریز، تاریخ ۱۲۲۱، شماره ۵۹۸۷.
تصویر شماره (۴۹) فلوس، ضرب دزفول، تاریخ ناخوانا.
تصویر شماره (۵۰) فلوس، ضرب دزفول، تاریخ ناخوانا.
تصویر شماره (۵۱) فلوس دوره صفوی، ضرب اردبیل، تاریخ ۱۰۶۷.
تصویر شماره (۵۲) فلوس، ضرب تبریز.

منبع

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۸). *تاریخ اساطیر ایران*. ۶ (۷۰ و ۶۹ و ۶۸)، ۴۱-۳۲.
آموزگار، ژاله (۱۳۷۴). *فزه*، این نیروی جادویی و آسمانی. *کلک*، ۶ (۶۸ و ۶۹ و ۷۰)، ۳۴-۴۱.
آمیه، پیر (۱۳۸۹). *تاریخ عیلام*. تهران: سمت.
افروغ، محمد (۱۳۸۹). *نماد و نشانه‌شناسی در فرش ایران*. تهران: جمال هنر.
اشتروم، هارالد (۱۳۸۹). *آئین میترا*. *کتاب ماه دین* (فرید و وحیدی، مترجم)، ۱۴ (۱۵۰)، ۲۰-۲۳.
اقتداری، احمد (۲۵۳۴). *نشانه‌های پرستش تیر و ناهید در نقش لوحه میترا باز یافته در معبد مهری «سالبورگ»*
فرانکفورت آلمان *بررسی‌های تاریخی*، ۱۰ (۵)، ۱۳-۴۶.
بالوتا، کلو سکا؛ بیانکی، اوگو؛ دیگران (۱۳۸۵). *دین مهر در جهان باستان (مجموعه گزارش‌های دومین کنگره*
مهرشناسی) (مرتضی ثابتفر، مترجم). تهران: توس.
باوری، سیما (۱۳۹۲). *نشانه‌شناسی جانوران آئین مهر*. تهران: کلک سیمین.
بختورتاش، نصرت‌الله (۱۳۵۱). *گردونه خورشید یا گردونه مهر*. *بررسی‌های تاریخی*، ۷ (۳)، ۶۷-۹۹.
بلک، جرمی؛ گرین، آنتونی (۱۳۸۵). *فرهنگ‌نامه خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان* (پیمان متین،
مترجم). تهران: امیرکبیر.
بهار، مهرداد (۱۳۸۱). *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: چشمه.
بهرامی، ایرج (۱۳۷۸). *اسطوره اهل حق جستاری تاریخی پیرامون مهر و مهرپرستی اهل حق (یارسیان) از*
روزگار باستان تا دوران معاصر. تهران: آتیه.
بهرز، ذبیح (۱۳۸۷). *تقویم و تاریخ در ایران*. تهران: چشمه.
پاشایی، ژیلا؛ جباری، صداقت (۱۳۹۱). *ظهور نقوش انسانی در مهرهای دوره قاجار با تأثیر پذیری مهرها از*
سکه‌ها و مدال‌های آن دوره. *گنجینه اسناد*، ۲۲ (۴)، ۷۸-۱۰۷.
پرتو، ابوالقاسم (۱۳۷۳). *اندیشه‌های فلسفی ایرانی*. تهران: اساطیر.
پوردوود، ابراهیم (۱۳۹۰). *سوشیانس موعود مزدیسنا*. تهران: فروهر.
پوردوود، ابراهیم؛ فرهوشی، بهرام (۲۵۳۶). *یشت‌ها* (ج ۱). تهران: دانشگاه تهران.
پورمحمد، عباس؛ شوشتری (مهرین)، علی (۱۳۲۱). *ایران‌نامه* (ج ۳). تهران: چاپخانه بانک ملی.
تناولی، پرویز (۱۳۸۵). *طلسم گرافیک سنتی*. تهران: بنگاه.



- جدی، محمدجواد (۱۳۸۸). *مهرها و نگین‌ها در مجموعه آستانه حضرت معصومه*. تهران: زرین و سیمین.
- حامی، احمد (۲۵۳۵). *بغ مهر نگهبان پیمان پشتمیان جنگیان، راستگویان، و درستکاران*. تهران: مؤلف.
- حصوری، علی (۱۳۸۷). *از پیکر مهر تا سر ترنج. هنر و مردم*، ۲۴ (۷)، ۳۰-۴۱.
- _____ (۱۳۸۵). *میانی طراحی سنتی*، تهران: چشمه.
- _____ (۱۳۷۹). *نماد چیست؟ فرش دستباف ایران*، ۳۴-۳۸ (۱۸)، ۳۸-۳۴.
- دانشگر، احمد (۱۳۹۰). *فرهنگ جامع فرش یادواره (دانشنامه ایران)*. تهران: یادواره اسدی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه علی اکبر دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۸۵). *لغت نامه متوسط علی اکبر دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- راشده‌محصل، محمد تقی (۱۳۶۶). *گزیده‌های زادسپهرم*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- رضی، هاشم (۱۳۷۹). *آئین راز آمیز میتراپی. کتاب ماه هنر*، ۳ (۲۷ و ۲۸)، ۳۰-۳۷.
- _____ (۱۳۸۴). *اوستا کهن ترین گنجینه مکتوب ایران باستان*. تهران: بهجت.
- _____ (۱۳۴۵). *میترا یا مهر. هوست*، ۱۷ (۷)، ۲۴-۴۲.
- _____ (۱۳۸۱). *دانشنامه ایران باستان عصر اوستایی تا پایان دوران ساسانی*. تهران: سخن.
- _____ (۱۳۵۹). *آئین مهر (میتراپیسم)*. تهران: فروهر.
- ستاری، جلال (۱۳۷۷). *پژوهشی در قصه یونس و ماهی*. تهران: مرکز.
- سرلو، خوان ادواردو (۱۳۸۹). *فرهنگ نمادها (مهرانگیز اوحدی، مترجم)*. تهران: دستان.
- سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۴). *فره ایزدی در آئین پادشاهی ایران باستان*. تهران: نی.
- شجاع‌دل، نادره؛ علی پور، نسیم (۱۳۸۴). *پیشینه مهرپرستی و نیایشگاه مهر و رجوی مراغه تاریخ پژوهی*، ۷ (۲۴) و ۲۵، ۴۴-۵۴.
- شمس اشراق، ع (۱۳۶۹). *نخستین سکه‌های امپراتوری اسلام*، اصفهان: دفتر فرهنگی استاک.
- شهبازی فراهانی، داریوش (۱۳۸۰). *تاریخ سکه*. تهران: بورک‌بی.
- صدری افشار، غلامحسین؛ حکمی، نسیرین؛ حکمی، نسترن (۱۳۸۸). *فرهنگ‌نامه فارسی واژگان و اعلام*. تهران: فرهنگ معاصر.
- صدفی، علیرضا (۱۳۶۹). *نیرنگ تاریخ و طرح احتمالات*. فروهر، ۲۵ (۱ و ۲)، ۲۴-۲۵.
- صمدی، مهرانگیز (۱۳۸۳). *ماه در ایران*. تهران: علمی فرهنگی.
- عبدالهیان، بهناز (۱۳۷۸). *مفاهیم نمادهای مهر و ماه در سفالینه‌های مهر و ماه*. هنرنامه، ۲ (۲)، ۴۶-۶۳.
- عرب گلپایگانی، عصمت (۱۳۸۶). *اساطیر ایران باستان (جنگی از اسطوره‌ها و اعتقادات در ایران باستان)*. تهران: هیرمند.
- عزیزی، حسن؛ نوایی، مهناز (۱۳۸۷). *بررسی بن‌مایه‌های انتزاعی در قالی هریس*. گلجام، ۴ (۱۱)، ۷۵-۹۳.
- علاء‌الدینی، بهرام (۱۳۹۱). *سکه‌های مسی ایران فلوس دوره های صفوی تا قاجار*. تهران: یساولی.
- علی پور سعدانی، رضا (۱۳۸۸). *شیء باوری (نگاهی به اشیاء جادویی در فرهنگ عامه خوزستان و حضور آن در ادبیات و نقاشی مکتب سقاخانه)*. تهران: نوردان.
- عنصری، جابر (۱۳۷۴). *تجلی دوازده ماه در آئینه اساطیر و فرهنگ عامه*. مرند: قمری.



- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۹۰). شرح مثنوی شریف (جزء نخستین و دوم از دفتر اول مشتمل بر شرح ابیات از ۱ تا ۱۹۱۲). تهران: علمی فرهنگی.
- فضایی، یوسف (۲۵۳۶). بنیان های اجتماعی دین. شاهرضا: چاپار.
- فیروز، شاهرخ (۱۳۴۵). سفال. تهران: مؤلف.
- قدیانی، عباس (۱۳۷۶). تاریخ ادیان و مذاهب در ایران. تهران: انیس.
- کاپله، محمد (۱۳۸۱). بررسی آثار فرهنگی - معنوی میتراثیسم در حاشیه رود سیمره در منطقه لرستان (نمونه مورد مطالعه معبد مهری بابا عباس خرم آباد). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- کرباسیان، ملیحه (۱۳۸۴). فرهنگ الفبایی موضوعی اساطیر ایران باستان. تهران: اختران.
- کویر، جی. سی (۱۳۸۶). فرهنگ مصور نمادهای سنتی (ملیحه کرباسیان، مترجم). تهران: نو.
- کویاجی، جهانگیر کووورچی (۱۳۷۹). آئین ها و افسانه های ایران و چین باستان (جلیل دوست خواه، مترجم). تهران: علمی فرهنگی.
- معصومی، غلامرضا (۱۳۸۸). دایره المعارف اساطیر و آئین های باستانی جهان. تهران: سوره مهر.
- مقدس جعفری، محمدحسن؛ جنگجوی مادوانی، علیرضا (۱۳۸۵). ادیان ایرانیان از آغاز تاکنون: پژوهشی اجمالی. مجله مطالعات ایرانی، ۵(۹)، ۲۳۱-۲۵۷.
- مقدم، محمد (۱۳۸۵). جستار درباره مهر و ناهید. تهران: هیرمند.
- مقدم، محمد (۱۳۵۳). مهرابه یا پرستشگاه دین مهر. فرهنگ ایران باستان، ۳(۱)، ۹۵-۴۶.
- مکی، مریم (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی ایزدان سه گانه در ایران و ارمنستان در دوران باستان. ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، ۷(۲۲)، ۱۷۰-۲۰۱.
- مهران، رحمت الله (۲۵۳۵). آرمان های انسانی در فرهنگ و هنر ایران. تهران: دانشگاه ملی ایران.
- نادرزاد، بزرگ (۱۳۷۶). مهر، پیامبر روشن با دیهیم تابان. کلک، ۸ (۸۵ و ۸۶)، ۱۳۳-۱۴۲.
- ورمازرن، مارتین (۱۳۸۷). آئین میترا. تهران: چشمه.
- وزیری، علینقی (۱۳۴۶). هنرهای مصور قبل از تاریخ اسلام. تهران: دانشگاه تهران.
- وندنبرگ، لوئی (۱۳۷۹). باستان شناسی ایران باستان (عیسی بهنام، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
- هال، جیمز (۱۳۸۰). فرهنگ نگاره های نمادها در هنر شرق و غرب (رقیه بهزادی، مترجم). تهران: فرهنگ معاصر.
- همایون، غلامعلی (۲۵۳۵). کورش کبیر در آثار هنری اروپاییان. تهران: دانشگاه ملی ایران.
- هینلز، جان راسل (۱۳۸۳). شناخت اساطیر ایران (باجلان فرخی، مترجم). تهران: اساطیر.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان واره ها. تهران: فرهنگ معاصر.
- یکتایی، مجید (۲۵۳۵). مهر در مأخذ شرقی بررسی های تاریخی، ۱۱(۴)، ۲۲۱-۲۳۶.
- _____ (۱۳۴۹). میتراثیسم و سوشیالیسم مهربررسی های تاریخی، ۵(۶)، ۹۱-۹۸.

Rabino Di Borgmale, Hyacinth Louis (1951). *Album of coins, Medals, and Seals of The Shahs of Iran (1500- 1948)*. London: Oxford Printed at the University press by Charles Batey.

